

## درباره مجلس شورای اسلامی

بالاخره پس از حقه بازیها، تقلبها، زدوبندها و عوامفریبیهای مجلس شورای اسلامی کار خود را آغاز کرد و از این پس مردم ما بعینه شاهد عملکردهای مجلسی خواهند بود که در خود عناصری همچون بازرگان و یزدی و چمران، مدنی، خلخالی، هادی غفاری، حجت الاسلام محمد منتظری و..... را جاداده است. آن دسته از مردمی که هنوز گمان دارند چنین مجلسی گشایشی هرچند کوچک در مشکلات مردم ایجاد خواهد کرد از این پس به تجارب و آگاهی جدیدی دست خواهند یافت و درک خواهند کرد که مجالس ایسین چنینی از قماش چگونه مجالسی هستند.

مجلس شورای اسلامی از یک خصوصیت جالب توجه برخوردار است. این مجلس قبل از آنکه کار خود را آغاز نماید برای بخش بسیار وسیعی از مردم ما شناخته شده بود و نه تنها از آن امید هیچ "معجزه‌ای" را نداشتند بلکه اساساً با آن مخالف بوده و یا نسبت به آن بی تفاوت بودند یعنی آنکه انتظار انجام یک حداقل کار مثبت را نیز از آن نداشتند. مردم ما به خاطر تجربه‌ای که از جمهوری اسلامی بدست آورده بودند این مجلس را (حتی قبل از آنکه کار خود را شروع کند) نیز بدرستی بعنوان بخشی از این جمهوری شناختند که عملکردی همچون عملکرد دیگر دستگاههای حکومتی خواهد داشت. آنها به غیر چنین مجلسی امید ندارند، تنها از شر آن میترسند. طبق آمار خود دولت که بیشک نادرست است تعداد رای دهنده‌گان در دور اول انتخابات مجلس در حدود ۱۵/۵ میلیون نفر بود که در دور دوم این تعداد نیز بشدت کاهش پذیرفت. اگر بپرض بپذیریم که این آمار صحیح است و مسئولین رای گیری هیچ رای اضافی ای را به صندوقها نیانداخته‌اند (که محال است) و در این میان تقلب با بقسول خودشان "تغلفی" صورت نگرفته است تازه باید قبول کنیم که نیمی از جمعیتی که میتوانست بپای صندوقهای رای بپاید از شرکت در انتخابات قلبی سرباز زد و اگر توجه کنیم که سیستم دو مرحله‌ای انتخابات بگونه‌ای بود که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نماینده نصف بعلاوه یک جمعیت رای دهنده بودند آنگاه متوجه میشویم که این مجلس تنها نماینده حدود ۵/۵ میلیون نفر از مردم ایران است و باز هم در اینجا تاکید میکنیم که چنین آماري بدون در نظر گرفتن تمامی تقلبات در اضافه کردن آراء صندوقها و جابجائی نام کاندیداها و غیره و غیره است. بدین ترتیب علیرغم تمامی تبلیغات و تمهیدات کرکننده رژیم بخش وسیعی از توده‌های مردم پاسخی آگاهانه به چنین انتخابات و چنین مجلسی دادند و یک بار دیگر نشان دادند که از بسیاری از سازمانهای سیاسی که خود را آگاه به تفکر و روحیه مردم میدانند و با این حال در بازی انتخابات شرکت کردند، جلوترند. مرحله دوم انتخابات و شرکت قلبیل توده‌ها در آن یکبار دیگر آگاهی روبه رشد توده‌ها و نقش منفی آن سازمانهای سیاسی را که با شرکت خود در انتخابات آب به آسیاب حکومت ضد خلقی ریختند نشان میدهد. میرسلیم معاون وزارت کشور در باره مرحله دوم انتخابات در شب پس از رای گیری در رادیو چنین گفت: "استقبال از مرحله دوم چندان زیاد و مانند مرحله اول نبود و علت آن این بود که بسیاری از کاندیداها و سازمانهای سیاسی از دور انتخابات حذف شده و مردم دیگر انگیزه چندان برای شرکت در انتخابات نداشتند" (نقل بمعنی از سخنان میرسلیم با گزارشگر رادیو). گرچه خود انتخابات، نتایج حاصل از آن و تبلیغات رژیم در مورد این نتایج خود صحت دلایل اساسی ما، درباره تحریم انتخابات مجلس، را نشان میدهد اما همین سخنان میرسلیم به تنهایی میتواند ورشکستگی نظرات آن سازمانهای سیاسی ای که محمل شرکت در انتخابات - بات را "همراهی با توده‌ها" ذکر میکردند نشان دهد و نشان میدهد که چگونه آنها هیچگاه جنبش روبه رشد توده‌ها و آگاهی حاصل از آن را درک نکرده‌اند.

بهر حال این انتخابات صورت گرفت و برنده اصلی آن نیز "حزب فراگیر جمهوری اسلامی" است. این پیروزی چنان بود که ارگان این حزب یعنی روزی نامه جمهوری اسلامی در شماره دوشنبه ۲۲ اردی - بهشت با خط سبز و حروف درشت در صفحه اول خود نوشت "پیروزی قاطع خط امام در مجلس شورای اسلامی" و همین تیترا کافی بود تا پشت جناح بنی صدر را بلرزاند و در روزنامه "انقلاب اسلامی" به حزب جمهوری اسلامی بتازد که انصار رگر است. حزب جمهوری اسلامی که بواسطه مجموعه شبکه روابط خود که بخشی از آن شبکه روابطی سنتی است\*، توانست در مقابل جناحهای دیگر هیئت حاکمه و بخصوص جناح

بنی صدر که از شبکه روابطی به این وسعت محرومند سود ببرد، از زمانیکه دریافت مجلس شورای اسلامی را بعنوان پایگاهی بچنگ آورده است در برنامه ریزیهای خود در برابر جناح بنی صدر نقش مجلس را در نظر گرفت بگونه‌ایکه طرح چهارماده‌ای خود را بر علیه بنی صدر چنین تدوین کرد :

۱ - غیر مستقیم مانع انجام گرفتن کارها بشویم و وانمود کنیم او رئیس جمهور و مسئول امور کشور است و ناراضیها از اوست .

۲ - همه جا تبلیغ کنیم که خط او از خط امام جداست .

۳ - مجلس را آماده کنیم تا در هر لحظه مناسب در برابر او بایستد .

۴ - او را وادار به کناره گیری کنیم ( نقل از انقلاب اسلامی - دوشنبه یک اردیبهشت )

بدین ترتیب می بینیم که در بند ۳ چگونه نقش مجلس شورای اسلامی بعنوان یک پایگاه اساسی در نظر گرفته شده است . ناگزیر چنین مجلسی مکانی خواهد بود که جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر علیه هم در آن موضع گرفته و بجان یکدیگر خواهند افتاد . حزب جمهوری اسلامی که در انتخابات ریاست جمهوری نتوانست رئیس جمهور را " باب طبع " خود انتخاب کند اکنون با بدست آوردن اکثریتی چشمگیر در مجلس شورای اسلامی کوشش خواهد نمود تا مجلس را بعنوان یک قطب قدرت - قطبی آنچنان قدرتمند که حتی رئیس جمهور را نیز بزانو در میآورد - درآورد و به همین خاطر است که حتی با وجود تمامی زرنگیهای بنی صدر و گرفتن فتوی از خمینی مبنی بر اینکه میتواند قبل از تشکیل مجلس نخست وزیر را انتخاب کند، حزب جمهوری اسلامی در مقابل این خواست او ایستاد و از انتخاب نخست وزیر پس از تشکیل مجلس گفتگو کرد انگار نه انگار که خمینی دستوری عکس آن داده است و در این میان " امام " دیگر برای حضرات حزب جمهوری اسلامی چندان هم " امام " نبود و خلاصه آنکه موفق شدند جلوی انتخاب نخست وزیر را گرفتند و به این وسیله از پا گرفتن قدرت بنی صدر جلوگیری نمودند و در این رابطه همانطور که گفتیم نه تنها خمینی برای اینان " امام " نبود بلکه قانون اساسی هم در این جنگ وجدال نقشی نداشت . همان قانون اساسی ایکه توسط خود اینان با ارتجاعی ترین قوانین تدوین و تصویب شده بود . برای اینکه نتوانند بگویند که اینها تهمت‌هایی است که ما به آنها میزنیم به روزنامه رئیس جمهور یعنی روزنامه انقلاب اسلامی در این زمینه رجوع میکنیم . در این روزنامه نوشته شده است " اول اینکه حزبی که تنها خود را در خط امام میداند چگونه به خود اجازه میدهد برخلاف خواست امام که در پاسخ موافق به درخواست سه ماده‌ای رئیس جمهور منعکس است ، اظهار نظر و عمل نماید و اعلام کند که " نیازی نیست نخست وزیر بطریقی دیگر ( غیر از طریق قانون اساسی ) برگزیده شود؟ " آیا چنین بیانی متضمن آن نیست که حزب جمهوری اسلامی برخلاف متن بیانیه‌های قبلی و همین بیانیه فوق الذکر فقط بدنبال بدست آوردن و نگهداری برخی مقامات و پستها برای حفظ موقعیت خویش است؟ ( انقلاب اسلامی - پنجشنبه ۸ خرداد )

دنباله زیرنویس از صفحه یک

شبهه روابطی بود که میتوان آنرا سنتی دانست و بازار و بازارها نیز دارای مناسبات و شبکه روابطی سنتی بودند . گرچه دگرگونی در مناسبات اجتماعی طبعاً تغییراتی در این روابط ایجاد کرده بود اما بهر حال چنین روابطی آنهم بشکل تا حدودی سنتی باقی مانده بود تا جریان جنبش اخیر خلق ما این مجموع - عه شبکه روابط در خدمت اهداف خرده بورژوازی ، خرده بورژوازی وابسته و در مواردی - بورژوازی وابسته قرار داشت در جریان جنبش که روحانیون با انگیزه‌های مختلف طبقاتی با تکیه بر این شبکه روابط به جنبش وارد شده و پس از آنکه بورژوازی کمپرادور با آنان عقد وحدت پست و آنرا با استفاده از تمامی امکانات خود در رهبری جنبش قرار داد بورژوازی کمپرادور توانست که این شبکه سنتی روابط را در پست در اختیار خود گرفته و هم اکنون نیز از آن در جهت منافع طبقاتی خود بهره گیرد . حزب جمهوری اسلامی بدین ترتیب از مساجد و تکایا ، روابط مابین حوزه‌های علمیه ، مناسبات بین روحانیون ، روابطی که در بازارها وجود دارد مثلاً بینگاههای غیریه ، صندوقهای قرض الحسنه ، تشکل اصناف بازار و ..... که همگی در جریان جنبش و قیام اخیر بکار گرفته شد بعد از تشکیل حزب بهره گرفته و به تمامی آنان چنگ انداخت . این حزب گرچه در شبکه روابط خود از روابط جدیدی که خود آنها را سازمان داد نیز استفاده میکند اما بدلیل ضعف فعلی خود در امر زمانه‌دهی از یک سو و برای فریب توده‌آزسوی دیگر بر این



جناب بنی صدر که اوضاع را پس دیده است و دست خود را از اکثریت کرسیهای مجلس دور، ناچار به نصیحت حزب جمهوری اسلامی نشسته است و این حزب را پندواند و می دهد که " شما نیک میدانید که مجلس اسلامی تفاوت اساسی با مجلس غربی دارد، در مجلس اسلامی فراکسیون، دسته ها و گروه ها جایی ندارند. اقلیت و اکثریت درست کردن نیز شیوه درستی نخواهد بود." (سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی - ۵ شنبه ۸ خرداد ماه)

از آنجائیکه میدانیم که خود جناب بنی صدر چگونه به دسته بندی معتقد است و چگونه خود بنی صدر اقلیت و اکثریت را بموقع درگفتار خود بکار میگیرد و صحبت از ۹۹ درصد و غیره میکند حال یکبار با هر نوع دسته بندی و غیره مخالف میشود!! چنین بیاناتی را این نیروها تنها زمانی در مقابل یکدیگر بکار میگیرند و زمانی بدادن چنین پندواند و زهاشی میپردازند که در موضع ضعف قرار گرفته باشند. بیانات اینچنینی سرمقاله انقلاب اسلامی نیز حد ضعف جناب بنی صدر را در مجلس نشان میدهد. بهر حال درگیری بر سر تعیین نخست وزیر ما بین جناب بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی آغاز مبارزه آنها با یکدیگر در مجلس است و این آغاز در ادامه خود بجنگی سخت ما بین خصوصاً این دو جناح تبدیل خواهد شد. این جنگ که چشم انداز آن از هم اکنون آشکار است تا آنجا از پرده بیرون افتاده است که خمینی نیز که همواره کوشیده میشود تا مافوق جناح بندیها، مافوق تصمیمات اجرائی و حتی مافوق طبقات قلمداد شود، در سخنان خود با نمایندگان در حسینیه جماران بتاريخ ۴ خرداد ماه چنین میگوید: " شما ها نیکه وکیل ملت هستید کارشکنی برای دولت نکنید. هدایت کنید هر جا نیکه پارا کنار میگذارد هدایتش کنید. دولت هم کس میشود و هر کس هست نخست وزیر هم هر کس هست، دولت هم هر کس هست آنها کارشکنی برای مجلس نکنند و یاد در پیام خود به مجلس شورای اسلامی چنین میگوید: " ۶۰۰۰ - ویژگی این مجلس و محیط کشور در این دوره ایجاد میکنند که مجلس و دولت هماهنگ شود تا بر مشکلات کشور فائق آیند و هیچیک از آنها در جمهوری اسلامی خصوصاً مجلس و رئیس جمهور و دولت برای یکدیگر کارشکنی نکنند.....".

ولی آنها با همه این نمایش میتوان جلوی رشد تفادهای درون حاکمیت، که انعکاس مستقیم خود در مجلس شورای اسلامی و ما بین با اصطلاح قوه مجریه (که چندان هم فقط مجریه نیست) و قوه مقننه (که چندان هم فقط مقننه نیست) نشان خواهد داد، گرفت؟ در شرایط کنونی جامعه ما، که رابطه جناحها، طبقه حاکمه با سرمایه های مالی امپریالیستی هنوز انجام لازم و دلخواه امپریالیستها را نیافته درست در همین شرایط جنبش توده ها نیز هر روز بیشتر از روز قبل روبه رشد است، تضاد درون حاکمیت روز بروز رشد بیشتری خواهد نمود. هر یک از جناحها کوشش خواهد کرد تا خود را بعنوان نیروی که به مناسبات اجتماعی مسلط است به امپریالیسم بشناساند و بدین ترتیب به امپریالیستها بقبولاند تا روابط وابستگی را از طریق او محکم و استوار ساخته و حاکمیت او را بر رسمیت بشناسند. بنا بر این هر یک از جناحهای حاکمیت خواهد کوشید تا جناح دیگر را به نابودی کشد و مواضع خود را مستحکم سازد. هر کدام از آنها در عین موافقت بر سرکوب جنبش رشد یابنده توده ها بر سر شیوه سرکوب بجان خود نخواهند افتاد. مجلسی که از عناصر شناخته شده ای همچون بازرگان، هاشمی رفسنجانی، پسزدی چمران، مدنی، هادی غفاری، آیت الله خلخالی، فخرالدین حجازی، معین فر و..... تشکیل شده است آنها لحظه ای هم میتوانند مجلس شورای اسلامی باشد که دارای مواضع ضد امپریالیستی بوده و بغاوت منافع خلق بر علیه امپریالیسم متحد شود؟ خیر. مجلس شورای اسلامی مجلسی خواهد بود که صحنه درگیری جناحهای حاکمه است. مجلسی خواهد بود که تنها درباره سرکوب جنبشهای خلق تصمیم خواهد گرفت، مجلسی خواهد بود که به تحکیم و بسط مناسبات وابستگی به امپریالیسم خواهد کوشید و مجا خواهد بود که مضحکه تمامی مردم میهن ما خواهد شد.

بابل: حدود هشت ماه قبل زحمتکشان روستای " لنگور " یکی از روستاهای اطراف سا بل زمینهای تحت اختیار زمیندار حاج هاشم محسنی را کسه تقریباً  $\frac{4}{5}$  زمینهای لنگور را تشکیل میداد صادره و بین خود تقسیم نموده به کارجمعی سر روی آن پرداختند. چون زمیندار درکشت و کار زحمتکشان اخلال میکرد، روستائیان با اعتراضات پی در پی و تحصنهای مکرر، خشم خود را نسبت به اعمال او و ایادی و همچنین حامیانش نشان داده خواستار دستگیری وی شدند تا بتوانند در کار روستائیان زحمتکش کارشکنی کند.

دستگاههای حکومتی که از تشدید مبارزه دهقانان به وحشت افتاده بودند بالاخره تسلیم فشارهای زحمتکشان شده زمیندار را بازداشت کردند و لسی البته مسلم بود که پیروزی مردم و دست یافتن به بخشی از حقوقشان برای حکومت قابل قبول نبود و اتفاقاً این امر خیلی زود کاملاً آشکار شد.

هنوز مدتی از بازداشت شدن زمیندار نگذشته بود که سروکله مامورین " کمیته " و " جهاد سازندگی " در ده پیدا شد که میخواستند بوضع زمین صادره شده رسیدگی کنند! توگویی دستگیری زمیندار نیز حقایق بود که پس از توافقیهای لازم صورت گرفته بود تا دست دستگاههای حکومتی در ستاندن زمین از زحمتکشان روستا بازتر باشد!

مامورین فوق الذکر تحت عنوان " غیر شرمسی " بودن عمل روستائیان قصد داشتند آنرا فریب داده زمین را از دستشان خارج سازند اما زحمتکشان که میدانستند زمینهای تقسیم شده حق مسلمشان است که سالها قبل بزور از دستشان ربوده شده گوش به چرندیاتی که مامورین میگفتند ندادند و عزم راسخ خویش را برای حفظ زمینها اعلام داشتند.

دستگاههای حکومتی که بعزت از هم پاشیدگی نسبی و عدم انسجام درونی قدرت سرکوب زحمتکشان خواهان حقوق خود را نداشتند از در دیگری وارد شدند. " جهاد سازندگی " که عوامل خود را مرتباً بسره روستاها میفرستد و از این طریق بجاسوسی مردم می پردازد و در بسیاری موارد خود مستقیماً در سرکوب و کشتار و مهیا کردن زمینه برای قتل عام دهقانان - ن زحرکشیده شرکت جسته است برای آنکه کنترل اوضاع را در دست داشته باشد به روستائیان لنگور پیشنهاد کرد که مدتی مهلت قائل شوند تا " دادگاه انقلاب " تکلیف زمین را روشن

کند. در این مدت هم موقتاً روستائیان کار و " جهاد سازندگی " بذر و وسیله دهد و دست آخر محصول برداشت شده را نیز به نسبت ۳ به ۱ تقسیم کنند و ادعا میکردند که سهم " جهاد سازندگی " نیز صرف عمران و آبادی روستا خواهد شد.

البته زحمتکشان روستا در بسیاری از جاها میدانند که نباید بهیچوجه شرایطی را بپذیرند که باعث شود کنترل مبارزات حق طلبانه شان بدست دم و دست - گاههای این حکومت تجاوزگر بیفتد اما از آنجایی که " جهاد سازندگی " این پیشنهاد را بعنوان راه حل موقت مسئله زمین فوق ارائه داده بود، روستائیان مخالفت نکردند و با تلاش خستگی ناپذیر به کار روی زمین پرداختند.

پس از مدتی اهالی زحمتکش روستا دیدند که زمیندار از زندان آزاد شد بدون آنکه صادره زمین تحت اختیار او که بدست روستائیان صورت گرفته بود، در یک محاکمه و رسیدگی به قضیه از نظر اداری به رسمیت شناخته شود.

این موضوع خشم زحمتکشان روستای لنگور را بر سر انگیخت طوریکه در تاریخ ۵۹/۲/۱۵ دستجمعی در بر - ابر " دادگاه انقلاب " متحصن شدند و خواستار دستگیری مجدد وی شدند.

مقامات مسئول پس از بحث و مشاجرات فراوانی و پس از آنکه فریبکاریهایشان موثر نیفتاد سرانجام قول بازداشت مجدد زمیندار را در آینده نزدیک دادند و لذا روستائیان تحصن خود را شکسته راهی روستایشان شدند.

اما زحمتکشان روستا طی مدتها درگیری و مبارزه خود این نکته را میدانند که هرگز نباید بسره حکومت ضد مردمی اعتماد کنند و بنا بر این با آنکه مسئولان دستگیری زمیندار را وعده داده اند اما زحمتکشان روستای لنگور خود ب فکر مقابله با دسیسه های احتمالی زمیندار و ایادیش افتاده و به حفاظت از زمین برخاسته اند هر شب چند نفر مسلح بهمه گونه وسایل لازم در اطراف زمینهای صادره شده نگهبانی میدهند و بدین ترتیب روستائیان ثابت کردند که برای رسیدن به حقوق خود و حرمان از آن سر از هر چیز به اتحاد و قدرت خود متکی هستند، نه به حرفهای بوج و وعده هایی که معلوم نیست عملی میشوند یا نه.

\*\*\*\*\*

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند